روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲ • ۹ رجب ۱۴۴۵ • ۲۱ ژانویه ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۵۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۷:۳۹
اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۱

روزنامه شرق

◆ دوازدهمین جشنواره مد و لباس فجر از ۲۸ دی آغاز به کار کرده است و فعالیت آن تا چهارشنبه ۴ بهمن از ساعت ۹ تا ۱۷ در موزه هنرهای زیبا مجموعه کاخ سعدآباد ادامه دارد.
عکس: زینب حمزه لویی، فارس

دیالوگ روز

سینما پارادیزو - جوزپه تورناتوره - ۱۱۹۸۸

سالواتوره (سالواتوره کاسیو): ولی واقعا تو به هیچ چیزی توی این کار علاقه نداری؟
آلفردو: (فیلیپ نوآره): به مرور آدم به این کار عادت می‌کنه.
به علاوه، وقتی آدم این بالاســت و می‌شنوه که اون پایین سالن سینما پر از تماشاگرانیه که می‌خندن و تفریح می‌کنن، آدم احساس می‌کنه که خوشبخته. چون فکر می‌کنه اونی هستی که باعث می‌شی مردم بخندن و مشکلاتشون رو فراموش کنن.

اتفاق خوانی

با سالمندان مهربان نبودیم

فریبا خانی

از خواندن این خبر غمگین شدم:
مهری‌ســادات موســوی، سرپرســت معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، از افزایش سالمندآزاری در جامعه خبر داد. او گفت: «با پدیده رهاشــدگی سالمندان مواجهیم. به آن معنا که سالمندانی در سطح شهر رها شده‌اند».
او گفت: «مردم با خط اورژانس اجتماعی با شــماره ۱۲۳ تماس می‌گیرند که آنها ساماندهی شوند».
نمی‌دانــم چرا با خواندن این خبر به افســانه‌هایی فکر کردم که در گوشــه‌وکنار ایــران بارها از کودکی آنها را شــنیده‌ایم. یک بار هم نوشــتم که ما با سالمندان رفتار خوبی نداشــته‌ایم؛ در قصه کدوی قلقل زن، ما پیرزن تنها را از بالای کوه در یک کدو گذاشته رها کردیم که خودش از پس شیر و گرگ و پلنگ گرسنه بربیاید.
اهالی کوه‌های البرز، افســانه دیگری را نقل می‌کنند که بازرگانی بود به نام «عبدالغنی». همیشــه در سفر... مادر فرتوت و سالمندی داشت که وقتی می‌رفت سفر او را به همسرش می‌سپرد.
زن از رســیدگی به این مادر همســرش که ناتوان هم بود، خسته می‌شــد و از نبود شــوهرش هم گله‌مند بود و تا می‌توانست این زن ســالمند را آزار مــی‌داد. مدتــی او را روی تخم‌مرغ‌ها می‌نشــاند تا تخم‌مرغ‌ها جوجه شوند. مدتی به او کارهای سوزن‌دوزی می‌داد، زن چشمش نمی‌دید و عروس از دستش عصبانی و خشمگین می‌شد و سرش فریاد می‌کرد. یک روز، گروهی دوره‌گرد و کولی می‌چرخیدند!
زن پیشــنهاد داد مادرشــوهر مرا هم لطفا با خود ببرید. یک روز عبدالغنی بازرگان از بیابانی می‌گذشــت که صــدای محزون زنی را شــنید که می‌خواند: «اول کارم جوجه‌خســی (جوجه‌کشی) ننه‌ت بمیره عبدالغنی... دوم کارم سوزن‌زنی... ننه‌ت بمیره عبدالغنی. سوم کارم کولی‌گری ننه‌ت بیمره عبدالغنی...» و عبدالغنی نجاتش داد...

•••

جمعیت جهان در حال پیرشدن است. جایی خواندم که جمعیت جهان در ســال ۲۰۵۰ به دو میلیارد نفر ســالمند می‌رسد. وضعیت جامعه ما هم همین‌طور اســت؛ ما در سال‌های آینده با حجم زیادی از ســالمندان مواجه خواهیم بود. به گزارش صندوق بازنشســتگی کشــور هم‌اکنون ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشــور ســالمند هستند. شــرایط اقتصادی بد، قیمت بالای مســکن، آپارتمان‌های کوچک که فضا برای همه کافی نیست، گرانی دارو و درمان، نگهداری سالمندان را ســخت‌تر می‌کند. آنها نیاز به خدمات پزشــکی مثل فیزیوتراپی و تغذیه مناسب دارند و واقعا شرایط برای آنها و خانواده‌هایشان بسیار مشــکل شده است. برای مثال در انگلســتان نهادهایی هست که به سالمندان رسیدگی می‌کنند. به این شکل که سالمندان در خانه‌های خود هستند و افرادی داوطب و آشنا به اصول پزشکی، هر روز به آنها ســر می‌زنند. اگر نیاز هست غذای آنها را گرم می‌کنند و داروهایشان را می‌دهند. اگر نیاز بــه خرید دارند، آنها را به خرید می‌برند و کمک می‌کننــد وســایل را به خانه ببرنــد. با این روش هــم عزت نفس و استقلال سالمندان حفظ می‌شود و دیگر نیاز نیست که آنها در خانه ســالمندان زندگی کنند و از کاشــانه خود دور باشند اما ما نهادهای مردمی که به ســالمندان رســیدگی کنند، کمتر داریم. سال‌ها پیش بانوان نیکوکار کهریزک به ســالمندان رسیدگی می‌کردند. به هر حال با خانواده‌ها خسته و ناتوان از نظر اقتصادی و... بدرفتاری و خشونت با ســالمندان هر روز بیشــتر. یادمان باشــد که اگرچه در افسانه‌ها با سالمندان مهربان نبودیم اما در ادبیات عرفانی پیران همان مرشدان راه بودند. ســرد و گرم چشــیده و نقش راهنما را داشتند. در جامعه سنتی زمانی ســالمندان نور خانواده‌ها بودند و تجربیات و خرد آنها راهنمــای دیگران. کاش به فکر نهادهایی باشــیم کــه این بزرگان را حمایت کنیم و آنها را در کدوی بزرگی از سراشیبی کوه‌ها به دام شیر و گرگ رها نکنیم. کاش آنها را به دوره‌گردان نفروشــیم که داســتان خشونت نسبت به خود را بر سر هر بازار و کوه بخوانند.

آب ژرف و سازگاری با خشکسالی در ایران

مهدی زارع

دکتــر فرود شــریفی که رئیس انجمن ســازگاری با خشــکی و خشکسالی ایران است، در برنامه‌ای تلویزیونی در ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۲ گفت: «یکی از این راهکارهایی که جهان به دنبال آن رفته، اســتحصال آب ژرف است که در دنیا سابقه‌ای بیش از صد سال دارد و از چین، آمریکا، استرالیا، هند و لیبی تا عربســتان و اردن و دیگر کشــورها پیش‌ازآن تجارب مختلفی در اکتشــاف، حفاری، استحصال، بهره‌برداری و انتقال این آب‌ها داشتند... . صد درصد موافق استحصال آب ژرف هستم... مثلا در استان سیستان‌وبلوچستان که ما منابع آب‌های ژرف استراتژیکی داریم، باید الان از آنها استفاده کنیم؛ چراکه امنیت مردم ما و تأمین آب شــرب هم‌وطنانمان با همین منابع آبی گره خورده است، چرا باید منابــع آب پایدار و تجدیدپذیری در کشــور باشــد؛ اما از آنها اســتفاده نکنیم؟... هیچ راه‌حل دیگری برای سیستان‌وبلوچســتان به جــز آب ژرف و انتقال آب وجود ندارد». در ۱۷ مهر ۱۴۰۲ با حکم وزیر جهاد کشــاورزی، دکتر فرود شریفی به‌عنوان مشاور وزیر جهاد کشاورزی در امور جنگل، مرتع و آبخیزداری منسوب شد.

وزیــر نیروی دولت دوازدهم در ســال ۱۳۹۸ گزارش داد که «با حفــاری در نزدیکی زابل و اســتخراج نمونه از عمق دوهزارو ۱۹۱متری، مشــخص شــد که آب دارای مقدار زیادی نمک اســت و رسانایی الکتریکی، EC آن، ۲۵ هزار میکرو زیمنس بر سانتی‌متر بود. آب به این شوری نه آشــامیدنی است و نه برای اهداف کشاورزی مناسب اســت. وقتی رسانایی الکتریکی بیش از دوهزارو ۲۵۰ باشــد، به دلیل وجود یون‌های زیاد کربنات و بی‌کربنات و ســدیم اســت و pH بالایی دارد. این منابع راهبردی آب‌های زیرزمینی هزاران ســال طول می‌کشــد تا دوباره تجدید شــوند؛ بنابراین باید فقط در موارد خاص و با دقت زیاد و به دلایل موجه مورد بهره‌برداری‌های ویــژه قــرار گیرنــد. حفــاری هر چــاه آب خیلــی ژرف ســالانه به حــدود ۷.۵ میلیــون دلار نیاز دارد».

برداشت ۷۵ تا ۶۲ کیلومتر مکعب در سال از آب‌های زیرزمینی ایران به علت محدودیت‌های فیزیکی منابع آب‌های زیرزمینی جدید، به تخلیه و شورشدن بیشتر آب‌های زیرزمینی در مناطق وســیع خشک و نیمه‌خشک مرکز و شرق ایران منجر شــده که نشان‌دهنده «خطر شوری بسیار زیاد» برای آب آبیاری اســت. طرح‌های اکتشــاف آب مانند طرح اکتشــاف آب‌های بسیار ژرف، اگر به‌عنوان آب آشــامیدنی و آبیاری مورد استفاده قرار گیرد، چه‌بسا بتواند با صرف هزینه‌های خیلــی زیاد، موقتا عطش مناطق دارای تنش آبی در کشــور را برطرف کند؛ ولی توجه کنیم که هزینه‌بر و برای محیط زیست مضر هستند.

استخراج آب‌های زیرزمینی بسیار ژرف می‌تواند عواقب خطرناکی برای محیط زیست داشته باشد. این موضوع به دلیل عوامل متعددی ازجمله تغییر چرخه طبیعی آب، کاهش سفره‌های زیرزمینی و احتمال آلودگی اســت. یکی از نگرانی‌های اولیه درباره استخراج آب‌های زیرزمینی بسیار عمیق، تغییر چرخه طبیعی آب است. چرخه آب که شامل فرایندهایی مانند تبخیر، تراکم و بارش اســت، تعادل ظریفی اســت که میلیون‌ها سال است که برقرار بوده است. هنگامی که آب زیرزمینی ژرف اســتخراج می‌شــود، با حذف آب از سیستم، این تعادل را به هم می‌زند. این می‌تواند منجر به کاهش ســطح کلی آب در ســفره شود که به نوبه خود می‌تواند بر سطح آب و چرخه طبیعی آب تأثیر بگذارد.

ســفره‌های آب زیرزمینی برای تأمین آب هم برای انســان و هم برای محیط زیست ضروری هستند. استخراج بیش از حد از آب‌های زیرزمینی بسیار ژرف می‌تواند منجر به تخلیه این منابع حیاتی شــود. بهره‌برداری از آب‌های بسیار ژرف (که در ژرفای بیش از هزارو ۵۰۰ متر واقع‌اند) می‌تواند عواقب درخورتوجهی برای اکوسیستم‌هایی که به این منابع آبی متکی هستند، داشته باشد. کاهش سفره‌های آب زیرزمینی منجر به شورترشدن آب باقی‌مانده می‌شود. هنگامی که آب‌های زیرزمینی ژرف اســتخراج می‌شوند، آب بســیار شور به سطح می‌آید و سلامت انسان و محیط زیســت را به خطر می‌اندازد. استخراج آب‌های زیرزمینی بسیار ژرف می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای محیط زیســت داشــته باشــد. می‌تواند بــه تغییر چرخه طبیعــی آب، تخلیه سفره‌های زیرزمینی و آلودگی محیط منجر شود.

خارجی‌خوانی

نیمکت دوستی مادربزرگ‌ها

فرارو گزارشی از چند منبع درباره شرایط روحی مردم جهان با تمرکز بر زیمبابوه تهیه کرده اســت. طبق این گزارش در حال حاضر بیش از ۲۵ درصد از جمعیت جهان احســاس انــزوای اجتماعی و تنهایــی می‌کنند و بیش از ۱۵۰ هزار نفر در ســنین ۱۵ تا ۲۹ ســال هرســاله بــر اثر خودکشــی جان خود را از دســت می‌دهند. تغییــرات اقلیمی این ارقام تیره و تار را بــه تهدیدی جدی‌تر تبدیل کرده اســت. همان‌طورکه انجمن روان‌پزشــکی آمریکا گزارش داده تغییــرات آب و هوایی می‌توانند «به از دست دادن شغل منجر شــوند، مردم را مجبور به جابه‌جایی کنند و به انســجام اجتماعی و منابع جامعه آسیب برسانند که همگی پیامدهایی برای سلامت روانی افراد دارند».

علاوه بر این، تأمل در مورد تغییرات آب و هوایی و پیامدهــای آن برای «امنیــت ملی و رفاه فردی» می‌تواند باعث «پریشانی قابل توجهی» شود. هیچ گروهی از این پیامد در امان نیست. جوانان از آینده خود می‌ترسند. افراد مسن از نابودی دنیای کودکی خود غمگین هســتند و فعالان و دانشمندان آب و هوا از فرسودگی عاطفی و ناامیدی رنج می‌برند.

همچنین به ایــن موارد اختلال اســترس پس از ســانحه توســط کســانی که پیش‌تر تحت تأثیر بلایای مرتبــط با آب و هوا قــرار گرفته‌اند به ویژه در اقتصادهای در حال توســعه آســیب‌پذیر را نیز بیفزایید. به طور سنتی یک بیمار حوزه روان‌پزشکی با یک پزشــک آموزش‌دیده درگیــر درمان انفرادی می‌شود.

بــا وجود ایــن، حتی سیســتم‌های بهداشــتی کشورهای ثروتمند نیز فاقد ظرفیت لازم برای ارائه چنین خدماتی هســتند: در ایــالات متحده بیش از ۱۵۰ میلیــون نفر در مناطقی زندگــی می‌کنند که متخصصان بهداشــت روانی بســیار کمی در آنجا وجود دارند. در چند ســال آینده آن کشــور ممکن اســت با کمبود ۳۱هزارو ۱۰۰ روان‌پزشــک مواجه شــود. وضعیــت در کشــورهای فقیــر و متأثر از منازعات حتی بدتر اســت جایی که دسترســی به درمان روان‌پزشــکی ســنتی حتی اگر در دسترس باشد بسیار دشوار است.

زیمبابوه کشــوری ۱۶ میلیونی اســت که صرفا ۱۳ روان‌پزشــک و ۲۰ روان‌شــناس بالینــی دارد! پیامدهای این کمبود در ســال ۲۰۱۹ میلادی زمانی که توفان بخش‌هایی از زیمبابوه را درنوردید کاملا آشکار شــد. بادهای قوی و باران‌های شدید، توفان و ســیل عظیم و رانش زمین منجر به کشته‌شــدن صدها نفر، آواره‌شدن حدود ۶۰ هزار نفر و تخریب ۵۰ هزار خانه شــد. همچنین، توفــان ذخایر بذر و محصولات برداشت‌نشــده را از بین برد و مردم را بدون غذا و معیشت رها کرد. بعد هم کرونا اتفاق افتاد.

دکتــر دیکســون چیبانــدا، یکــی از معــدود روان‌پزشــکان زیمبابوه ایده جدیدی را در کشورش اجرائی کرده است. او پروژه‌ای را دنبال می‌کند که به مادربزرگ‌ها و نیمکت‌های پارک ارتباط دارد. در پروژه «نیمکت دوستی» داوطلبان جامعه را بدون هیچ‌گونه سابقه آموزش پزشکی یا بهداشت روانی قبلی آموزش می‌دهند تا از روی نیمکت‌های پارک چوبــی در هــر ۱۰ منطقه کشــور صحبت‌درمانی انجام دهنــد. تاکنون به بیش از دو هزار مادربزرگ برای ارائه مشــاوره به جوامع محلی خود آموزش داده شــده اســت. کارآزمایی‌هــای بالینی به طور مداوم نشان داده‌اند که این «مشاوران غیرمعمول» در رســیدگی به طیف وســیعی از شرایط سلامت روان، از افســردگی و اضطراب تا اختلالات ناشی از مصرف مشروبات الکلی مؤثر هستند.

مقابله مؤثر با بحران جهانی بهداشــت روانی نیازمند مشارکت بیشــتر جامعه بین‌المللی است. در همیــن حــال، دولت‌هــای محلــی و ملــی و سازمان‌های بشردوســتانه باید رویکردهای محلی جدیــدی کــه توانایی خود را در کمــک به جوامع برای مقابله با خطرات فزاینده زندگی، معیشــت و رفاه خود ثابت کرده‌اند، بپذیرند و در پیش گیرند.

گزارش‌خوانی

زنان و کودکانی که چندین بار آواره شدند

حوالی ظهر شــنبه دو انفجار توسط اســرائیل در دو نقطه جهان رخ داد. در لبنان ماشــینی منفجر شد که ادعا می‌شــد دو نفر از رهبران حماس در آن قرار داشــتند. از سوی دیگر جنگ در غزه ۲۵ هزار کشته به همراه داشته است که بیشــتر آنها زنان و کودکان هستند. نهادهای حقوق بشری جهان این سؤال را می‌پرســند که چرا جنگ در این منطقه پایان نمی‌گیرد؟ چرا کشــورها برای پایان‌دادن به این جنگ که بیش از ۸۰ هزار کشــته و زخمی داشــته و بیش از ۷۰ درصد آنها زنان و کودکان غزه هستند، اقدام قابل قبولی انجام نمی‌دهند؟ چرا اســرائیل به جای رویارویی با کسانی که آنان را مسبب آغاز و ادامه جنگ می‌داند به قربانی‌کردن و کشتن زنان و کودکان ادامه می‌دهد؟

آفریقای جنوبی، در دادگاه لاهه، شکایت از نسل‌کشی و کودک‌کشی اسرائیل را پیگیری می‌کند اما جهان در پایان‌دادن به این جنگ ناتوان است. تلاش‌های کشورهای اسلامی نظیر عربستان ســعودی و قطر نیز چندان فایده‌ای نداشته است. ســازمان ملل گزارش‌های جدیدی از شرایط مردم عادی در غزه منتشر کرده است.

برای بار چندم ســازمان ملل اعلام کرده اســت «زنان و کــودکان قربانیان اصلی جنگ اسرائیل در غزه هستند».

کمیتــه زنان ســازمان ملل تأکید کرده اســت که در ایــن درگیری صدروزه حداقل ســه هزار زن بیوه و سرپرست خانوار شده‌اند و حداقل ۱۰ هزار کودک ممکن است پدران خود را از دست داده باشند.

این کمیته به نابرابری جنســیتی پیش‌آمده در این شــرایط اشاره می‌کند و تأکید دارد زنان و کودکان آواره‌شــده به خاطر جنگ در سه ماه گذشته مجبور شــده‌اند چندین بار از جایی به جایی دیگر برونــد و طعم بی‌پناهی را چند بار در این مدت چشــیده‌اند. از جمعیت ۲.۳ میلیونی این منطقه، ۱.۹ میلیون نفر آواره هســتند و نزدیک به یــک میلیون زن و دختر به دنبال ســرپناه و امنیت می‌گردند. این زنان و دختران از امنیت، دارو، مراقبت‌های بهداشــتی و سرپناه محروم هســتند. آنها با گرســنگی و قحطی قریب‌الوقوع روبه‌رو هستند. آنها بیــش از همه از امید و عدالت محروم هســتند. با وجــود افزایش درگیری‌ها در این منطقه ۸۳ درصد ســازمان‌های حقوق زنان تا حدی فعال هســتند اما فقط ۰.۰۹ درصد بودجه مســتقیم به ســازمان‌های ملی یا محلی حقوق زنان اختصاص یافته است.

غزه نیازمند کمک‌های بســیار بیشــتری به ویژه برای زنان و کودکان است. ســیما باهوس، مدیر اجرائی کمیته زنان سازمان ملل متحد، گفت که این «یک وارونگی ظالمانه» است، در جنگ قبلی که ۱۵ سال پیش در این منطقه اتفاق افتاده بود، کمتر از ۱۴ درصد کشته‌شدگان زن بودند.

ســازمان ملل همچنین هشــدار داده، ممکن اســت بیــش از یک‌چهارم جمعیت غزه یعنی حدود ۵۰۰ هزار نفر از گرسنگی بمیرند.

شبکه‌خوانی

کودک‌کشی تصاویری که فراموش نمی‌شود

علی مرسلی

یکــی از تصاویــری کــه در اخبار این روزهــا می‌بینیــم و قلب هر انســانی را به درد می‌آورد، تصویر کودکان کشته‌شده در درگیری‌ها و جنگ‌هاست.

انسان‌ها از گذشته‌های دور در جنگ‌ها کشته می‌شدند و می‌شــوند. از نظر آماری، درحال‌حاضر انسان‌های بسیار بیشتری در مقایســه با گذشته تاریخ بشر، به مرگ طبیعی می‌میرند. در گذشته، جنگ و تبعات آن (قحطی، بیماری و...) انسان‌های بیشتری را به کام مرگ می‌فرســتادند. با همه این تفاســیر هنوز هم که هنوز اســت یک تصویر زشــت از جنگ وجود دارد که هرقدر دور باشــیم و هرقدر دل‌سخت، قلب ما را از اعماق می‌ســوزاند و آن تصویر کودکان کشته‌شده است. فرقی نمی‌کند که این کودکان در غزه باشــند یا هر جای دیگری در دنیا. مرگ کودکان بیشــتر از این جهت دردناک اســت که انتخابی برای نمردن نداشته‌اند. این قضیه از بُعد واقع‌بینی، بیشتر به نظر می‌رسد که فریب ذهنی باشد تا حقیقت؛ چراکه هزاران هزار بزرگسال غیرنظامی هم که در جنگ‌ها می‌میرند که انتخاب زیادی نداشــته‌اند؛ نه برای فرار و نه نمردن! اما ذهن ما، مرگ کودکان را نوع دیگری می‌بیند و اندوهش عمیق‌تر و ملموس‌تر است. بچه‌ها معصوم‌اند و فرصتی برای زیســتن و درک جهان نداشــته‌اند. اما گاهی حقایق ترســناکی در تاریخ بشــر وجود دارند که بشــر امروزی صلاح می‌بیند به آنها نپردازد. بشر امروز نوعی به قضیه بچه‌کشی نگاه می‌کند که انگار با پدیده جدیدی مواجه است؛ درحالی‌که بچه‌کشی از رسوم دیرینه بشری است و صرفا مربوط به مثلا اعراب پیش از اســلام نیســت. در همین اروپای قرن هجدهم در زمان‌های دشواری اقتصادی ناگهان آمار تعداد نوزادان مرده افزایش می‌یافت! پرورشــگاه‌های قرن هجدهم در واقــع انتقال حق انحصاری بچه‌کشــی از والدین به دولت بودند. مثلا بین ۱۷۵۶ تا ۱۷۶۰، از ۱۵ هزار کودک پذیرفته‌شده در یتیم‌خانه‌های دولتی لندن، فقط چهارهزارو ۴۰۰ نفر به ۱۸ســالگی رســیدند! نه اینکه بقیه نواحی دنیا از آسیا تا آفریقا وضع بهتری داشته‌اند (یا دارند!). تفاوت این است که مدارکی که مرگ شبه‌عمدی کودکان در اروپا را نشان دهد، مستندتر از بقیه نواحی دنیاســت. ما می‌دانیم که آزتک‌ها بچه‌هایشان را برای خدایان قربانی می‌کردند و می‌خوردند. اعراب بدوی دخترها را زنده به گور می‌کردند؛ ولی در قرن چهاردهم در انگلستان نسبت پسر به دختر به ۱۳۰ پسر در برابر صد دختر رسیده بود. با اینکه کلیسا به‌شدت با بچه‌کشی مخالف بود؛ ولی نمی‌توانست جلوی مادرانی را که شــب از بخت بد فقط روی نوزاد دخترشــان می‌افتادند یا خیلی شانسی بچه دخترشــان در رودخانه می‌افتاد و خفه می‌شد، بگیرد! خود نرســیدن به بچه‌ها، بی‌توجهی، شیرندادن، رهاکردن در گرما و سرما و... موجب مرگ نوزادان می‌شــده و جالب اینکــه وقتی نیاز به نیروی کار بچه‌ها در کارخانه‌ها زیاد شــد، ناگهان آمار تعداد بچه‌هایی که زنده می‌ماندند و به نوجوانی می‌رسیدند، در انگلســتان افزایش یافت! در دنیای جدید با پزشکی جدیــد و روش‌های پیشــگیری، تعداد بچه‌های ناخواســته کاهش پیدا کرده است و با نزدیک‌شــدن فرصت‌های اقتصادی، شغلی و برابری زن و مرد هم تمایل برای حذف دختران در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته کاهش پیدا کرده است و به لطف تمدن و توسعه، کودک‌کشی به جنایتی بسیار شنیع و دردآور تبدیل شده اســت و ای کاش این روند ادامه داشته باشد و ما هر روز بیشتر از قبــل از دیدن تصاویر کودکان کشــته و مجروح منزجرتر شــویم تا جهان را با اراده قوی‌تری برای کودکانی که حتی ممکن است تصاویر مرگ‌شان را نبینیم، بهتر کنیم.

*** آمار ارائه‌شــده در مطلب از کتاب آدم‌خواران و شــهریاران نوشته ماروین هریس، نشر فرهامه، ترجمه ساجده عقیلی استخراج شده است.**

◆ کودکان قبیله‌ای در دره اومو، مرز اتیوپی و سودان جنوبی، اکتبر ۲۰۲۱